

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ن. نیستانی

۰۸ سپتمبر ۲۰۱۱

## در تأیید محک باستانی که تنها با نامشان آشنا استم

به هر رنگی که خواهی جامه می پوش

من از طرز خرامت می شناسم

اندیشیدن و قلم را بر کاغذ سائیدن برای آنانی که قلم و اندیشه را با روح مسخ شده شان به گروگان گرفته اند بسیار رنج آور و خدشه رسان است .  
ولی اگر سخن از ناپیستا بودن و بایستی هاست باید گفت و جامعه نوگام و سلانه رفتار روشنفکری افغانستان را که طلایه داران کنونی اش مشتی از رندان که به اصطلاح عامیانه (وند) شان خورده و در تنور داغ هی نان می پزند و می پزند را تنویر کرد .  
در این که افغانستان ما دهه هاست در جهل سنتی و وارداتی در خودش غوطه ور است و مجالی برای مستقل اندیشیدن نمی یابد هیچ شك و شبهه نیست .  
افغانستان باید از این ورطه بدر شود و جوانش پر از شور و به دور از سازش های پشت پرده ولی آگاه با رموز مبارزه حرکتی را بیاغازد که ره به ترکستان نبرد .  
مشاطه گردان کنونی دربار که بی شباهت به دلقک های دربار شاهان قدیم نیستند در خنیاگری قدرت، آزموده و کارگشته گشته اند و با نقاب دموکرات و شاه بیت دموکراسی به رفت و روب منافع خودی منطقه ئی ویا زبانی و محلی خودشان سخت دلبنند .  
نه دیگر ارزش از يك کشور برایشان معنی دارد و نه هم قشری که باید در يك جامعه به گونه راهکشا و رهنما خود الگو باشند .  
اینان دیگر امیدی برای پروریدن ندارند و ترسی نیز برای از دست دادن در دلشان نیست . تنها چیزی که بلد استند باد در غیغ انداختن است و باد بیرون دادن .

بی گدار و بی مسؤولیت حرف های بسیار بزرگ تر از جاغور مرغی خود بر زبان می آورند و همچون آژیتاتور ها بعد از گند زد جا خالی می کنند .

در باد خالی کردن هم بیشتر از دیگران بر خود می خندند و در این ترفند پیشگیرانه حساسیت انسانی خودشان را خنثی می کنند و جوی از مردی کم و فارغ البال می زیند و بربریش مردم و درد مردم می خندند .

اگر سال ها پیش مشتی جنگجو با سلاح فزیک و روان های شست و شو داده شده با تاخت بر مردم و خانه هجوم آوردند امروزه لاشخوران دریشی به تن و شسته و روفته با اکت ها و نزاکت های مد روز در عقب تریبون ها به نام مردم معامله می کنند و به خاطر وطن دهن های کف کرده را باز و بسته می کنند .

دریغ من از این نیست که چرا افغانستان در چهار راه هیچ کسی، تنها است شاید بالاخره این جا و آنجا ناجی و نادی هائی سربلند کرده و سمندر وار راه ببوید و نیز دور نیست که ققنوس جوانی و خودشناسی با موجی از پرسش ها به سوی آنانی که شاید این عیش و تنعم را سرمدی می پندارند، آماج گردد.

مگر جوانان ما از جوانان عرب چی تفاوتی می توانند داشته باشند؟ دیر یا زود آنروز فرا می رسد.

اما نیک می دانیم که در آن روز سیاهترین روی، از روشنفرانی است که با مایه اندوخته خویش کم مایه گری کردند و با نسل های جوانتر از خودشان جفا کردند.

تاکی در پناه نام امان الله خان و محمود طرزی باید اظهار وجود کرد و نام های هابرماس و مارکوزه را سبک و سنگین کرد؟ از کسانی که نام برده می شود در زندگیشان نیز اثری از ژرف نگری ها و دگر اندیشی هایشان را می وان یافت و در نبودشان بهترقضاوت کرد .

تاریخ این قاضی عادل و گنگ و لال بالاخره مسند هرکه را مناسب حال و احوالش تعیین می کند و در آن زمان فرزندان یقیناً بیدار و نترس ما بر خوش باوری ها و سهل انگاری مان، که محسور سحر کلام وام گرفته روشنفران وارداتی خویش گردیده بودیم، خواهند خندید.

من نتوانستم با آخرین مقال از دستنویس های این جناب که روی سخن محترم باستانی نیز با وی است زهر خندی را که تمسخرش می چربید پنهان کنم.

(سرور آزادی) با مقوله های دینی و دنیوی برای جوانان امید سازی می کند و بادستانش، جوسازی هایش را توجیه می کند و با پایهای درپوزه گرش آستان بوسی هایش را ادامه می دهد .

شرم به جامعه روشنفر افغانستان که نه "یک چشمه" بلکه "نابینا" ها را خدا گونه به پرستش و نیایش گرفته ایم .

\* رجوع شود به رنگ تازه این چهره چند رنگ تحت نام "سرور آزادی" در هشت صبح